



محفل انس با قرآن ویژه مدیران - روز سه‌شنبه ۹۷/۵/۳۰

تفسیر مفهوم نور منافقان در محفل انس با قرآن کریم

در آیه «مثلهم کمثل الذی استوقد ناراً فلما اضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمات لا یبصرون»، مثل منافقان مثل کسی است که به زحمت آتشی را بیفروخت و همین که آتش اطراف وی را روشن ساخت خدا نورشان را ببرد و آنها را در تاریکی‌ها رهایشان کند که نبینند.

مراد از این نور چیست؟ برخی گفته‌اند منافق ایمانی ضعیف دارد و مقصود از نور همان ایمان ضعیف است. این دیدگاه قابل مناقشه و خدشه است زیرا ایمان منافق، ایمانی سیاسی است و چنین ایمانی هرگز نمی‌تواند نور داشته باشد ولی حق این است که فکر و اندیشه آدمی هرچه باشد راهی را که صاحب اندیشه برگزیده است روشن می‌کند و وی را در پرتو نور حاصل از فکر خود توطئه می‌چیند و خود را به هدف نزدیک می‌کند.

انسان گذشته از هدایت وحی، چندگونه هدایت دارد، از جمله هدایت غریزه، هدایت حس مانند گوش و چشم و هدایت فکر و عقل. هریک از این هدایت‌ها به گونه‌ای دارای نور هستند و امروز نیز استکبار جهانی در پرتو همین نور فکر، عقل، پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به اهداف خود می‌رسند. آنها با دادن اطلاعات اشتباه به مردم جهان، مردمی را بالا می‌برند و یا پایین می‌آورند و به هر تقدیر توطئه و نقشه‌های آنها ولو شیطانی باشد نوری دارد که تا حدودی راه را نشان می‌دهد.

آیه اشاره به این دارد که منافق در پرتو این هدایت‌ها هم به جایی نمی‌رسد و هنگامی که خواست به هدف برسد، خداوند وی را گیج و سردرگم می‌کند و مانع موفقیتش می‌شود که از این امر تعبیر به خاموش کردن نور شده است، زیرا خداوند اراده کرده است که رسول خود را پیروز گرداند و خدا همین تصمیم و اراده را درباره

حضرت مهدی (عج) نیز اجرا می‌کند و وی را بر همه قدرت های جهان پیروز خواهد کرد. این گونه نیست که طاغوتیان وی را بگیرند و یا زندانی کنند همان گونه که خلفای جور با امامان معصوم (ع) چنین کردند.

آیه «او کصیب من السماء فیه ظلمات و رعد و برق جعلون اصابتهم فی آذانهم من الصواعق حذر الموت و الله محیط بالکافرین» اشاره دارد که و یا مثل داستان آنها (منافقان) مثل گرفتاران در رگباری است که در آن تاریکی‌ها و رعد و برقی است و آنها انگشتان خودشان را از شدت صاعقه‌ها برای فرار از مرگ در گوش‌هایشان می‌کنند و خداوند به همه کافران احاطه دارد. صیب به معنای رگبار و باران درشت و تند، آذان به معنای گوش‌ها، اصابع (جمع اصبع) به معنی انگشتان، حذر به معنی دوری، احتیاط و خوف و صواعق نیز جمع صاعقه است.

پیام آیه این است که جامعه و حکومت اسلامی باید فضا را برای منافقان آن قدر ناامن کند که آنها زحمت توطئه سازی پیدا نکنند و همین امر باعث می‌شود که جامعه اسلامی در امنیت باشند. همچنین منافقان دائم در حکومت اسلامی دارای مشکلات زیادی هستند.

در مثال اول یعنی استوقد نارا عامل گیج‌کنندگی منافقان تنها همان خاموش شدن آتش بود (تشبیه مفرد) ولی در این مثال (کصیب من السماء) بیش از یک عامل بیان شده است (تشبیه مرکب). آن عوامل گیج‌کننده و تشبیه رگبار تند، ابرهای سیاه و تاریک، غرش شدید و رعد و برق و ترس از مرگ هستند که همه این عوامل تشدیدکننده سردرگمی و گیجی منافقان است. تفاوت این دو مثال ناظر به این است که وی می‌خواهد از هر فرصتی که برایش پیش می‌آید بهره‌برداری کند و در این مثال آن روشنایی و نوری که ایجاد می‌شود کار خودش نیست یعنی همین که در گوشه‌ای رعد و برقی زد و روشنایی پدید آمد از همین مقدار روشنایی باز می‌خواهد استفاده و توطئه کند ولی سردرگم و گیج است. به عنوان نمونه اگر دیدند کسانی علم مخالفت با اسلام را برداشته‌اند سریع به دور آنها حلقه می‌زنند و آنها را به زیان اسلام تقویت می‌کنند.